

در ساحل نهج البلاغه - دنیاشناسی در نهج البلاغه

<?xml encoding="UTF-8?">

دنیا، آموزگار انسان ها

بعضی از افراد در توجیه اشتباه ها و گناهان خویش، دنیا را متهم می کنند و می گویند دنیا ما را فریب داد؛ در حالی که اگر به دقت بیندیشیم، این اشخاص هستند که فریفته دنیا می شوند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «به حق می گویم آیا دنیا تو را فریفته است یا تو خود فریفته دنیایی؟... دنیا با دردهایی که در جسم تو می گذارد و با کاهشی که در توانایی تو ایجاد می کند، راستگوتر از آن است که به تو دروغ بگوید یا مغرورت سازد. چه بسا نصیحت کننده ای از دنیا را متهم کردی و راستگویی را دروغگو پنداشتی! اگر دنیا را از روی شهرهای ویران شده و خانه های درهم فرو ریخته بشناسی، آن را یادآوری دل سوز و اندرز دهنده ای گویا می یابی، که چونان دوستی مهربان از تباهی و نابودی تو نگران است. دنیا چه خوب خانه ای است برای آن کس که آن را جاودانه نیندازد، و خوب محلی است برای آن کس که آن را وطن خویش انتخاب نکند. سعادت‌مندان به وسیله دنیا در قیامت، کسانی هستند که امروز از حرام آن می گریزند».

منزل بعدی کجاست؟

دنیا، سرای کوچ کردن است، ولی مهم این است که انسان به کجا کوچ می کند؛ آیا به سرزمینی سراسر آسایش و رفاه یا به محلی بی آب و علف و همراه با مشقت و رنج؟ آری، این اعمال و رفتار ماست که جایگاه ما را در آخرت تعیین می کند و چگونگی زندگی ما را در آنجا رقم می زند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «همانا داستان آن کس که دنیا را شناخت، چونان مسافرانی است که در سرمنزلی بی آب و علف و دشوار اقامت داشته، قصد کوچ کردن به سرزمینی دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می کنند، و جدایی دوستان را می پذیرند، و سختی سفر و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می کنند تا به جایگاه وسیع، و منزلگاه امن و با آرامش قدم بگذارند. آنها از سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند، و هزینه های مصرف شده را غرامت نمی شمارند، و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آنکه به منزل امن و محل آرامش برسند. اما داستان دنیاپرستان، همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت ها می خواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند. پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می شوند و ناراحتی ها را باید تحمل کنند».

دنیا برای آخرت

اگر استفاده از امکانات دنیا با نیت خیر همراه باشد و سبب آبادانی زندگی آخرت انسان گردد، نه تنها مذموم نیست بلکه ستودنی است. به طور کلی باید گفت آنچه در روایات اسلامی و سخنان معصومان علیهم السلام در مذمت دنیا بیان شده، دنیایی است که فقط برای دنیا و زندگی مادی مورد توجه باشد، نه دنیایی که برای آبادانی

آخرت به کار گرفته می شود.

نقل شده است که پس از جنگ جمل، امیرمؤمنان علیه السلام به خانه یکی از یاران خویش به نام علاءبن زیاد وارد شد. وقتی خانه بسیار پر زرق و برق او را دید، فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی، در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری، اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسی! اگر در این خانه بزرگ از مهمانان پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بپیوندی، و حقوقی که بر گردن توست به صاحبان حق برسانی، می توانی در آخرت آسوده خاطر باشی».

دنیا، سرای عمل

زندگی هر انسان در دنیا، مدت بسیار کوتاهی است که به سرعت می گذرد و زندگی انسان در جهان دیگر آغاز خواهد شد؛ زندگی ای که نتیجه اعمال آدمی در دنیاست و تا ابد ادامه خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام به این نکته اشاره فرموده و به همگان درباره افتادن به دام دنیاپرستی، هشدار می دهد و می فرماید: «آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمی ماند. بهوش باشید که آخرت به سوی ما می آید و دنیا و آخرت، هر یک فرزندان دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا؛ زیرا در روز قیامت، هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می گردد. امروز هنگام عمل است نه حسابرسی، و فردا روز حسابرسی است نه عمل».

دنیا، سرای کوچ

خوشا به حال بندگان که هرگز فریفته دنیا نشدند و با اعمال نیک خویش به استقبال مرگ و زندگی آخرت رفتند. آری، آنان فریاد کوچ انسان ها را در این کاروان سرای دنیا به گوش جان شنیدند و هرگز خواب غفلت چشمانشان را فرا نگرفت. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «ای بندگان خدا! از خدا پروا داشته باشید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید. با چیزهای فانی شدنی دنیا، آنچه را جاویدان می ماند خریداری کنید. از دنیا کوچ کنید که برای کوچ دادنتان تلاش می کنند. آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی باشید که بر آنها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا، خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند. خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وانگذاشت. میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست. زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه ها از آن می کاهد و مرگ آن را نابود می کند، سزاوار است که کوتاه مدت باشد؛ زندگی ای که شب و روز آن را به پیش می راند و به زودی پایان خواهد گرفت».

دنیای ناپایدار

کشتی زندگی بشر در دریای پرتلاطم دنیا، همواره با امواج کوچک و بزرگ مواجه می شود که گاه آن را تا مرز نابودی به پیش می برد. حوادث طبیعی که گاه و بیگاه در نقاط مختلف جهان، زندگی جمع کثیری از مردم دنیا را نابود می کند، همه حکایت از ناپایداری این دنیای فانی دارد و زنگ خطری است برای انسان های غافل و به خواب رفته، تا خود را برای زندگی آخرت آماده سازند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «بندگان خدا! شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و از دنیاپرستی می ترسانم؛ زیرا دنیا خانه ای ناپایدار و جایگاه سختی و مشکلات است. ساکنان دنیا در حال کوچ کردن و اقامت گزیدگانش به جدایی محکوم اند. مردم را چونان کشتی توفان زده

در دل دریاها می لرزاند؛ برخی از آنان در دل آب مرده، و برخی دیگر بر روی امواج جان سالم به در برده اند و بادهای با وزیدن آنها را به این سو و آن سو می کشاند و هرجا می خواهد، می برد.... بندگان خدا! هم اکنون عمل کنید که زبان ها آزاد، بدن ها سالم و اعضا و جوارح آماده اند و راه بازگشت فراهم و فرصت زیاد است، پیش از آنکه وقت از دست برود و مرگ فرا رسد».

سرای آرزوها

دنیا، سرای آمال و آرزوهاست. انسان آگاه و خردمند هیچ گاه عمر خویش را در پی آرزوهای کاذب و نادرست صرف نمی کند؛ چرا که این آرزوها اگر تحقق هم یابد، بسیار محدود و زودگذر است و با فرا رسیدن مرگ، بساط همه آنها برچیده خواهد شد. از این رو، انسان آگاه از مدت عمر کوتاه خویش در فراهم آوردن زاد و توشه آخرت نهایت سعی و تلاش را می نماید تا در سرای آخرت، به آسایش و نیک بختی حقیقی برسد. امیرمؤمنان علیه السلام در این مورد می فرماید: «آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوهایید که مرگ را در پی دارد. پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرارسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره مند خواهد شد و مرگ به او زیانی نمی رساند، و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی کند، زیان کار و مرگ او زیان بار است. همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می کنید، در روزگار خوشی و کام یابی نیز عمل کنید. آگاه باشید! به کوچ کردن فرمان داده شدید و برای جمع آوری توشه آخرت راهنمایی گشتید. همانا وحشتناک ترین چیزی که بر شما می ترسم، هواپرستی و آرزوهای دراز است. پس از این دنیا توشه بگیرید تا فردا خود را با آن حفظ کنید».

چهار ویژگی اساسی دنیا

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنانی، چهار ویژگی اساسی دنیا را چنین بر می شمارد: «دنیا، خانه نابود شدن، رنج بردن، دگرگونی و عبرت گرفتن است. از نشانه نابودی آن این است که روزگار، کمان خود را به زه کرده، تیرش به خطا نمی رود و زخمش بهبودی ندارد. زنده را با تیر مرگ هدف قرار می دهد، تندرست را با بیماری از پا در می آورد و نجات یافته را به هلاکت می کشاند. از نشانه رنج دنیا آن است که آدمی، چیزی را که خود نمی خورد جمع آوری می کند و بنایی را که خود در آن نمی زید، می سازد. پس به سوی پروردگار خود می رود، در حالی که نه مالی برداشته و نه خانه ای به همراه برده است. از نشانه دگرگونی دنیا این است که شخصی را که دیروز مردم به او ترحم می کردند، امروز حسرتش را می خورند و آن کس که حسرت او را می خورند، امروز به او ترحم می کنند. علت این هم، نعمت هایی است که به سرعت دگرگون می شود و بلاهایی است که ناگهان نازل می گردد. نشانه عبرت انگیز بودن دنیا، آن است که آدمی پس از تلاش و انتظار تا می خواهد به آرزوهایش برسد، ناگهان مرگش فرا می رسد و امیدش را قطع می کند؛ نه به آرزو رسیده و نه آنچه را آرزو داشته باقی مانده است».

سرمایه عمر

مقصد و هدف نهایی زندگی انسان، سرای آخرت است. از این رو، آدمی باید همه تلاش خویش را برای آخرت متمرکز کند و در این راستا، اگر خسارت یا کاستی در زندگی دنیایی او به وجود می آید، هیچ اندوهی به خود راه ندهد؛ چرا که ثواب و پاداش آخرت، با رفاه و آسایش محدود دنیا قابل مقایسه نیست. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «هر گاه از دنیای شما کاهش یابد و به آخرت افزوده گردد، بهتر از آن است که از پاداش

آخرت شماکاسته و بر دنیای شما افزوده شود. چه بسا کاهش یافته هایی که سودآور است و افزایش داشته هایی که زیان آور خواهد بود.... از فرا رسیدن مرگ ناگهانی بترسید؛ زیرا مالی که ازدست رفته، امید بازگشتش وجود دارد، ولی عمر گذشته را نمی شود بازگرداند. آنچه را امروز از بهره دنیا کم شده، می توان فردا به دست آورد، ولی آنچه دیروز از عمر گذشته، امید به بازگشت آن نیست. به آینده امیدوار و از گذشته ناامید باشید».

سرای خوشی و ناخوشی

دنیا، جایگاهی است که اگر طراوت دوران جوانی را به انسان ها می دهد؛ در مقابل، خستگی و فرسودگی روزگار پیری را هم نصیبشان می کند. اگر چشم های تیزبین و گوش های کاملاً شنوا در اختیار کسی بگذارد؛ دیری نخواهد گذشت که بینایی را از آن چشمان و شنوایی را از آن گوش ها خواهد گرفت. تبدیل صورت های گلگون به چهره های زرد، بازوان نیرومند به بازوان ناتوان، بهار به خزان و زندگی به مرگ، کار دیرینه این دنیاست. بنابراین، مقتضای حقیقت بینی آن است که به هیچ یک از آنها دل نبست تا به هنگام از دست دادن آن، شکافی در زندگی و شخصیت انسان روی ندهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «هیچ شخصی از طراوت و عیش و عشرت دنیا برخوردار نگردد، مگر اینکه از مصیبت هایش، خستگی و مشقت بچشد.... اگر طرفی از این دنیا گوارا و شیرین باشد، طرف دیگر آن تلخ و ناگوار است».

سرای رنج و نابودی

دنیا، خانه ای است که همواره رنج و مشقت برای ساکنان آن وجود داشته و خواهد داشت. هیچ لذت و رفاهی در دنیا نیست که با رنج و دردی همراه نباشد. هیچ کس در دنیا نیست که با دغدغه و فکری همراه نباشد و کاستی و غبار روزگار بر چهره اش ننشسته باشد. آری، آسایش و رفاه واقعی از آن آخرت است و انسان ها باید درصدد به دست آوردن آن باشند و هیچ گاه فریفته این دنیای پوشیده از رنج و نابودی نگردند. به این سخن از امیرمؤمنان علیه السلام توجه کنید: «چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است؟ در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب می خورد، و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است. تلاش کننده دنیا به آن نرسد و به رها کننده آن روی آورد. کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد، او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد، کوردلش می کند».

توصیف دنیا

دنیاپرستی، یکی از دام های اساسی شیطان برای انحراف بندگان خدا از مسیر ایمان و هدایت، و براساس روایات، سرچشمه بسیاری از گناهان است. از این رو، شناخت واقعی دنیا، تأثیر به سزایی در دوری از دنیاپرستی خواهد داشت. امیرمؤمنان علیه السلام در سخنانی در مورد توصیف دنیا چنین می فرماید: «شما را از دنیاپرستی می ترسانم؛ زیرا منزلگاهی برای کوچ کردن است، نه منزلی برای همیشه ماندن. دنیا، خود را با غرور زینت داده و با زینت و زیبایی می فریبد. دنیا، نزد خداوند، خانه ای بی مقدار است؛ زیرا حلال آن با حرام، خوبی آن با بدی، زندگی در آن با مرگ و شیرینی آن با تلخی ها در آمیخته است. خداوند آن را برای دوستانش انتخاب نکرد و در بخشیدن آن به دشمنانش دریغ نفرمود. خیر دنیا اندک، شر آن آماده، فراهم آمده اش پراکنده، ملک آن غارت شده و آبادانی آن رو به ویرانی نهاده است. چه ارزشی دارد خانه ای که پایه های آن در حال فرو ریختن است و عمر آن

چون زاد و توشه پایان پذیرد؟ و چه لذتی دارد زندگانی که چونان مدت سفر به آخر می رسد؟».

بی ارزشی دنیای حرام

دنیایی که انسان را از مسیر هدایت و کمال منحرف کند و نتیجه ای جز فراموشی آخرت نداشته باشد، هیچ بهایی ندارد؛ زیرا هدف نهایی زندگی انسان در این دنیا، رسیدن به کمال و نزدیکی خداوند متعال است. پس هر قدر معرفت انسان به دنیا و ابعاد مختلف آن بیشتر باشد، بیشتر از آسیب های آن در امان خواهد بود. دنیای حرام و فاسدی که جز با مادی گرایی، تبعیض، ظلم، چپاول و فساد به دست نخواهد آمد، آن قدر پست و بی مقدار است که امیرمؤمنان علی علیه السلام در توضیح آن می فرماید: «ای مردم! باید دنیای حرام در چشمانتان از پَر کاه خشکیده و تفاله های قیچی شده دامداران بی ارزش تر باشد. از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آنکه آیندگان از شما پند گیرند. این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید؛ زیرا مشتاقان شیفته تر از شما را رها کرد».

توصیف دنیاپرستان

هیچ پستی و ذلتی برای انسان چونان دنیاپرستی نیست. کسانی که همه وجود خویش را وقف دنیا و لذت های آن می کنند و در راه رسیدن به آن حاضر می شوند دست به هر جنایت و گناهی بزنند، همچون آدمی هستند که کور و کر در بیابان های تاریک و گمراهی شتابان حرکت می کند و جز پرتگاه نابودی و انحطاط، مأوایی ندارد. امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف دنیاپرستان چنین می فرماید: «همانا دنیاپرستان چونان سگ های درنده، عو کنان برای دریدن صید در شتابند. برخی به برخی دیگر هجوم می آورند و نیرومندشان، ناتوان را می خورد و بزرگ ترها کوچک ترها را. یا چونان شترانی هستند که برخی از آنها پای بسته و برخی دیگر در بیابان رها شده اند که راه گم کرده و در جاده های نامعلومی در حرکت اند. آنها در وادی پر از آفت ها و در شنزاری که حرکت با کُندی صورت می گیرد، گرفتارند؛ نه چوپانی دارند که به کارشان برسد، و نه چراننده ای که به چراگاهشان برد. دنیا آنها را به راه کوری کشاند و دیدگانیشان را از چراغ هدایت بپوشاند. در بیراهه سرگردان اند، در نعمت ها غرق شده اند و آن را پروردگار خویش می دانند. هم دنیا آنها را به بازی گرفته، و هم آنها با دنیا بازی نموده، آخرت را فراموش کردند».

آن سوی دنیا

انسان هایی که همه تلاش و کوششان دست یابی به لذت های دنیوی است و به جز دنیا، دغدغه و فکری ندارد، چه انسان های کوتاه نظری هستند. انسان های روشن ضمیر، همواره در ورای این دنیا، جهان آخرت را زیر نظر دارند و اگر تلاش و کوششی در این دنیا می کنند، هرگز نگاهشان به این دنیای فانی محدود نمی شود. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «همانا دنیا، نهایت دیدگاه کوردلان است که به بعد از آن نمی نگرند. اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده، از پس آن، سرای جاویدان آخرت را می بیند. پس انسان آگاه به دنیا دل نمی بندد و انسان کور دل تمام توجه اش دنیاست. بینا از دنیا زاد و توشه بر می گیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می آورد».

انسان فرا دنیایی

فهم این حقیقت که دنیا، سرای گذر است و انسان ها برای غیر این دنیا آفریده شده اند، تأثیر به سزایی در اخلاق، رفتار و زندگی انسان به جا خواهد گذاشت؛ چرا که انسان آخرت گرا، به همه کارها و فعالیت های زندگی دنیوی خویش، رنگ آخرتی می دهد و از آن برای زندگی جاودان آخرت توشه بر می دارد. او نه تنها دلش فریفته ظواهر دنیا نشده، بلکه همواره به ماورای این دنیا، یعنی زندگی آخرت دل بسته است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «ای مردم! دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است. پس، از گذرگاه خویش برای سرمنزل جاودانه توشه بگیرید و پرده های خود را در نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است پاره نکنید. پیش از آنکه بدن های شما از دنیا خارج شود، دل هایتان را خارج کنید. شما را در دنیا آزموده اند و برای غیر دنیا آفریده اند. کسی که بمیرد، مردم می گویند: چه باقی گذاشت؟ ولی فرشتگان می گویند: چه پیش فرستاد؟ خدا پدرانان را بیامرزد! مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستید تا در نزد خدا باقی ماند و همه را برای وارثان مگذارید که پاسخگویی آن بر شما واجب است».

دنیاشناسی

شناخت دنیا، نخستین مرحله دوری از دنیاپرستی است. لذا برای آشنایی بهتر از دنیا، نیکوست به این سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در خطاب به دنیا توجه کنیم: «ای دنیا! از من دور شو. مهارت را بر پشت تو نهاده، از چنگال تو رهایی یافتم. از دام های تو نجات یافته، از لغزشگاه هایت دوری گزیده ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه های خود فریبشان داده ای؟ کجایند امت هایی که با زر و زیور آنها را فریفتی؟ اکنون در گورها گرفتارند و درون لَحَد ها پنهان شده اند. ای دنیا! به خدا سوگند اگر شخصی دیدنی بودی و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می کردم؛ به خاطر بندگان که آنها را با آرزوهایت فریب دادی، ملت هایی که آنها را به هلاکت افکندی و قدرتمندانی که آنها را تسلیم نابودی کردی و هدف انواع بلاها قرار دادی».

بی ارزشی رقابت های دنیایی

فریفته دنیا و زرق و برق آن شدن، بزرگ ترین آفتی است که آسایش زندگی انسان را در دنیا و آخرت تهدید می کند. امیرمؤمنان علیه السلام در سخنانی می فرماید: «در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید و فریب زینت ها و نعمت ها را نخورید. مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید؛ زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می پذیرد و زینت و نعمت هایش نابود می گردد. پس رنج و سختی آن تمام می شود و هر مدت و مهلتی در آن به پایان می رسد و هر موجود زنده ای در آن به سوی مرگ می رود». ایشان در بخش دیگری می فرماید: «شما را به ترک دنیایی سفارش می کنم که رهایتان می سازد؛ گرچه شما جدایی از آن را دوست ندارید. دنیایی که بدن های شما را کهنه و فرسوده می کند، با اینکه دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید».

عبرت از گذشتگان

عبرت گرفتن از زندگی گذشتگان، آثار مفید و سازنده ای در اخلاق و رفتار انسان بر جای می گذارد؛ توجه و دقت در این مطلب که برخی از آنها که در مقام و ثروت دنیا غرق شده بودند، چه سریع شکوه و زندگی اشرافانه شان پایان پذیرفت و مرگ جز نامی از آنها باقی نگذاشت. آری، تغییرات و دگرگونی های دنیا بسیار است که اگر انسان در آنها بیندیشد، درس های مهمی می گیرد. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «آیا نشانه هایی از زندگی گذشتگان که

بر جا مانده، شما را از دنیاپرستی باز نمی دارد؟ اگر خردمندید، آیا در زندگانی پدرانتان آگاهی و عبرت آموزی نیست؟ مگر نمی بینید که گذشتگانتان باز نمی گردند و فرزندان شما باقی نمی مانند؟ مگر مردم دنیا را نمی نگرید که در شب و روز حالت های گوناگونی دارند: یکی می میرد و بر او می گریند؛ دیگری باقی می ماند، به او تسلیت می گویند؛ یکی دیگر بر بستر بیماری افتاده، دیگری به عیادت او می رود؛ دیگری در حال جان کندن است؛ دنیاطلب در جست وجوی دنیاست که مرگ او را در می یابد؛ و غفلت زده که مرگ او را فراموش نمی کند. بدانید که آیندگان نیز راه گذشتگان را می پویند».

مردم در دنیا

به طور کلی مردم در دنیا دو دسته اند. دسته ای که به غیر از زندگی دنیوی به چیزی نمی اندیشند و همه همتشان در جمع آوری مال و ثروت متمرکز شده است. این گروه هیچ گاه آسایش و قرار ندارند و همواره در حرص و ولع به سر می برند. در مقابل، دسته ای دیگر که دنیا و امکانات آن را برای ساختن زندگی آخرت می دانند، همه سعی و تلاششان برای آبادانی جهان آخرت است. آنها با کمترین سطح زندگی دنیا آسایش و آرامش حقیقی دارند و در حقیقت، هر دو جهان از آن آنهاست. امیرمؤمنان می فرماید: «مردم در دنیا دو دسته اند: یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد و دنیا او را از آخرتش بازداشت. او بر بازماندگانش از تهی دستی هراسان و از تهی دستی خویش در امان است. این شخص زندگانی خود را در راه سود دیگران از دست می دهد. دوم آن کس که در دنیا برای آخرت کار می کند و نعمت های دنیا نیز بدون تلاش به او روی می آورد. پس بهره هر دو جهان را چشیده و مالک هر دو جهان می گردد و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح می کند و حاجتی را از خدا نمی خواهد، جز آنکه روا می گردد».

مثل هایی از دنیای حرام

سخنان کوتاه امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه پیرامون هویت دنیای حرام، آن قدر شگفت و پرمحتواست که هر انسانی با اندک دقت و تأمل، درس های بسیاری از آنها می گیرد. برای مثال ایشان در جایی می فرماید: «دنیای حرام چون مار سمی است؛ پوستش نرم است، ولی سم کشنده در درون دارد. نادان فریب خورده به آن نزدیک می شود و هوشمند عاقل از آن دوری می گزیند». ایشان در جای دیگر، از دنیای حرام چنین تشبیه می آورد: «به خدا سوگند دنیای حرام آلوده شما، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد، پست تر است».

ای دنیا! از من دور شو!

ضَرار بن صُمره، یکی از یاران امیرمؤمنان علیه السلام بود. او به شام رفت و در ملاقاتش با معاویه، حاکم ستمگر از او خواست از حالت های حضرت علی علیه السلام برایش بگوید. ضرار گفت: علی علیه السلام را شب هنگام در حالی دیدم که در محراب عبادت ایستاده، محاسن شریفش را به دست گرفته و چون مار گزیده ای به خود می پیچد و محزون می گرید و می گوید: «ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو. آیا برای من خودنمایی می کنی یا شیفته من شده ای تا روزی در دل من جای گیری؟ هرگز! غیر مرا بغریب که مرا در تو نیازی نیست. تو را سه طلاقه کرده ام، تا بازگشتی نباشد. دوران زندگانی تو کوتاه، ارزش تو اندک و آرزوی تو پست است. آه از توشه اندک و درازی راه،

و دوری منزل و عظمت روز قیامت».